



۳

اگر که سرنوشتم دار باشد  
و عمرم خالی از دیدار باشد  
اگر باشم اسیر دست چنگیز  
دوای درد من عطار باشد

## میانِ خاطره‌ها

حسن یزدان پناهی

می خواستم طبیعت صحرا شوم نشد  
چون قامت بهاری آفرا شوم نشد  
می خواستم به رسم درختان سبزسیب  
صد آیه از طراوت فردا شوم نشد  
می خواستم میان آن همه دستان آشنا  
با واژه‌های دست تو معنا شوم نشد  
در باغ، همصدای نسیم شکوفه‌ها  
از خنده ی بهار تو، گویا شوم نشد  
با چشم‌های ابر به دنبال خویشتن  
گشتم که درنگاه تو پیدا شوم نشد  
راضی شدم که چون صدف مانده در کویر  
حتی میان خاطره‌ها و شوم نشد  
آخر نشد، نشد ز تو ای هرم آفتاب  
چون دستهای باغ شکوفا شوم نشد.

## هوایما

اصغر رضایی گماری

تنهایی ام هوایمایست  
که هر کسی بر آن سوار می شود  
چمدانی تنهاترم می شود.  
هر پرواز  
مسافرانی جای مسافرانی که رفته‌اند می نشینند  
وبه تنهایی من ادامه می دهند  
دلیم چتر نجاتی ست  
که بارها  
تا مرز باز شدن رفته است  
تا باور کنند  
با همه غمگینی ام  
به فکر شادی دیگرانم  
شهرهای زیادی رفته ام  
فرود آمده ام  
و دوباره برخاسته ام  
اما فکر نمی کردم  
این روح سردم  
آشیا نسه ای گرم باشد  
برای پرنده ای  
در این آبادی دور...

## شعر

قنبر یوسفی

تومی توانی  
از عاشق شدن بگریزی  
من نمی توانم  
از شاعر شدن بگریزم  
بعد از تو  
من ماندم و این کار ناتمام  
باید تمام نبودنت را  
در شعر بریزم



## درس مکتب

گشود آن غنچه وقتی که لبش را  
و جاری کرد بر لب، مطلبش را  
دل بیچاره ی من حفظ می کرد  
تمام درسهای مکتبش را.

## فانوس خاموش

من از داغ تو در دل می خروشم  
بظاهر گرچه فانوسی خاموشم  
اگر باشد خریداری در اینجا  
دل وامانده ام را می فروشم.

## چند دوبیتی از: فریبا عالی

۱  
برای من تو اوج داغ و دردی  
ز چشمم می چکد اندوه سردی  
پس از عمری که دلسوز تو بودم  
تو با احساس زیبایم چه کردی؟

۲  
دلیم تنگ است و می گیرد بهانه  
برایت می سراید صد ترانه  
نماندی تا بخوانی از نگاهم  
چه دردی می کشم در این زمانه

۳  
سکوتم را چنان فریاد کردی  
که صد دلخسته را دلشاد کردی  
خزان شد آرزوهایم ولی تو  
مرا از بند غم آزاد کردی

## چند دوبیتی یونس املشی نوروزی اولشی

۱  
همیشه دلخوش آواز بودیم  
صمیمی با شب اعجاز بودیم  
برای چشم همدیگر سرودن  
چه خوش گر حافظ شیراز بودیم

۲  
درون آسمانم گر که رعدی است  
تمام حرف من در بیت بعدی است  
شکوه شعرهای عاشقانه  
فقط در بیت شعر سعدی است

## درباغ شبنم

ناصر ثاقبی فرد

تصویر تلخی از غروبم بی تو اینجا  
دارم فرومی ریزم از غم بی تو اینجا  
احساس سبزم آبرواز درد دارد  
می جوشد اشکم مثل زمزم بی تو اینجا  
ابری بجز بی همدمی بردل ندارم  
حرفی نمی گوید قلم هم بی تو اینجا  
بغضی بسان زلزله کوبید بر دل  
پرپر شدم در باغ شبنم بی تو اینجا  
دامان آتش را پراز آینه کردم  
باشک دلتنگی دمامم بی تو اینجا  
باغچه زخمم الفتی دیرینه دارد  
می رویدومی پاشد از هم بی تو اینجا  
اقلیم دل وقتی به دست عشقت افتاد  
دیگر نشد یک لحظه خرم بی تو اینجا  
آهی کشیدم؛ مه شدم؛ بر باد رفتم  
زیر اندیدم غیر ماتم بی تو اینجا

## چند دوبیتی از محسن اعلا از نورمازندان

### پرواز دل

تو در پرواز ای دل! بی نظیری  
چرا خلوت نشین و سر به زیری  
به اوج آسمان آبی عشق  
الهی چون کبوتر پر بگیری.

### نغمه ی جنگل

تبر تا بوسه زد بر پای جنگل  
طنین انداخت در من، وای جنگل  
زمانی باورم می زد جوانه  
فقط با نغمه ی زیبای جنگل.

### سینه چاک

برایت مثل گندم سینه چاکم  
از این شور ترنم سینه چاکم  
چنان مستم من از عشق تو ای دوست!  
که تا هستم، از این خم سینه چاکم.